

متن پرسش

اگر بنا را بر این بگذاریم که تمام مخلوقات در حال حرکت در نزد خودند و دارند خود را هر روز تجربه می‌کنند تا بیشتر و بیشتر خود را بیابند و نزد خودتر باشند البته بالحق پس من هم چنین انتظاری از خود داشتم و دارم اما آدمی از این زندگی برتر خارج شد! این مسئله مرا خستگی داده که هنوز حس می‌کنم مال من نبود. خوابی سنگین و باری گران و پیری بدی به من تحمیل کرد. دوست دارم در سخنان علی علیه السلام فنا شوم که فرمودند: پسرکم بدان که تو برای آخرت آفریده شدی نه برای دنیا و برای رفتن نه ماندن و برای مرگ نه زندگی و در جایگاه کوچی و در سرای موقت بر سر راه آخرت تو تحت تعقیب مرگ هستی که گریزنده از آن رهایی ندارد و خواستار آن هم از دستش نمی‌رهد و ناگزیر آن را در خواهد یافت. با وجود اینکه مردم امروزی را می‌شناسم اما آنها نمی‌شناسم هرچه بیشتر آنها را بشناسم بیشتر آنها را نمی‌شناسم آنها در عین اینکه مرا می‌پذیرند و من آنها می‌پذیرم اما هرگز دنیای آنها را نمی‌فهمم و نمی‌شناسم و نمی‌خواهم و درک نمی‌کنم هرچند گویی دنیای دیگری ساخته بشود، که بشود در آن زیست و من هم خواهم زیست ان شاء الله اما مرگ سر نوشت زیباییست که آن را به کل دنیا نمی‌دهم. بخدا حتی اگر آخرتی و سرای جاویدی و بهشت هایی و دین پایداری نبود باز مرگ انتخابم بود. من مرگ را خود می‌دانم خودی که دنیاداران می‌خواهند آن را گم کنم. دنیا را دوست نداشتم ای کاش هیچ وقت نمی‌دیدمش خدایا دنیا را از یادم ببر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! اگر انسان برای آخرت آفریده شده است ولی دنیا، مزرعه آخرت است و به اندازه‌ای که در دنیا با انتخاب‌های خوب و همراه با تواضع زندگی کنیم، در ابدیت خود حضور بهتر و متعالی تری خواهیم داشت. مهم آن است که زندگی را برای خود تنگ و سخت نکنیم. موفق باشید